

## بررسی قدیمی ترین قوانین حقوقی بشریت و تاریخچه قانون اساسی در جهان

امین حیدری

کارمند شهرداری

### چکیده

قانون اساسی شامل قواعدی است که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوا، حقوق و آزادیهای فردی، شهروندی و ... به این جهت که ترتیب حکومت و قوای اساسی مملکت را تعیین می کند برتر از سایر قواعد حقوقی است. حدود و اختیار قوا و رابطه آنها با یکدیگر در این قانون تعیین شده و قانونگذار عادی حق نسخ و تجدید نظر در آنرا ندارد. چون احتمال دارد پاره‌ای قواعد فرعی در قانون اساسی درج و بالعکس از تصریح به پاره‌ای قواعد امتناع شود لذا بهترین نشانه تشخیص قانون اساسی تشریفات مخصوص وضع آنست. معمولاً پس از هر انقلاب و تحول، دولت جدید اساس حکومت واژگون شده را در هم می ریزد و مبنای تازه برای حکومت سیاسی انتخاب می کند. در موارد عادی نیز دولت تجدید نظر در قانون اساسی را به آسانی نمی تواند به انجام رساند، زیرا باید مجلس فوق العاده و یا مقننه عادی با تشریفات زیاده تر این امر را بانجام رساند. در این مقاله به بررسی قدیمی ترین قوانین حقوقی بشریت و تاریخچه قانون اساسی در جهان پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر ، قانون اساسی ، دوران باستان

## مقدمه

قانون اساسی عالی ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی قانون تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت هایی در برابر ملت دارند. در حقیقت قانون اساسی محصول مشروطه خواهی است و مشروطه خواهی چیزی جز بیان صلاحیت محدود شده حاکمان نیست. علاوه بر این، قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و اصول حاکم بر سیاست های اقتصادی، برنامه های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می دهد. قدیمی ترین قانون اساسی ملی که هنوز اجرا می شود در سال ۱۶۰۰ میلادی نوشته شده و متعلق به جمهوری سان مارینو در جنوب اروپا است. قانون اساسی مانند نان برای مردم است. (مهرپور، ۱۳۹۱)

معنا و مفهوم «قانون اساسی» برگرفته از واژه فرانسوی «کنستیتوسیون» است و در دوران جنبش مشروطه با همین لفظ فرنگی اما به معنای مشروطیت یعنی محدود شدن اختیارات پادشاه در یک چهارچوب معین (قانونی) بکار می رفته است. امروزه واژه «قانون اساسی» در فارسی برای اشاره به قانون اساسی دولت های حاکم (مثل ایران یا فرانسه)، زیرمجموعه دولت ها (مانند ایالت های آلمان، آمریکا یا هند) یا اُبردولت ها (مانند اتحادیه اروپا) به کار می رود، در مورد نهادهای دیگر مانند اتحادیه ها، سازمان های بین المللی و احزاب سیاسی، معمولاً از واژه «اساسنامه» استفاده می شود.

در سال ۱۸۷۷ ارنست سارزک باستان شناس فرانسوی در اکتشافات باستان شناسی خود در میان رودان، شواهدی را از وجود نوعی قانون باستانی دادگستری در تمدن سومریان (۲۳۰۰ سال پیش از میلاد) به دست آورد. هیچ مدرک و نوشته منسجمی از این قانون کشف نشده است، اما از شواهد اینطور برمی آید که در بر اساس آن، بیوگان و یتیمان مالیات کمتری پرداخت می کردند، و قانون آن ها را در برابر رباخواری ثروتمندان پشتیبانی می کرده است.

به طور کلی در دوران باستان حکومت بر اساس نوعی قانون کلی در منطقه میان رودان و غرب آسیا معمول بوده است. قدیمی ترین قانون مکتوب کشف شده در جهان قانون اور-نامو است که حدود ۲۰۵۰ تا ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد به دستور یکی از پادشاهان شهر اور روی لوح سفالین حک شده بوده است. در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی، روی متن قطعات مختلف این لوح پژوهش هایی انجام گرفت و در نهایت ۴۰ بند از قانون ترجمه شد. از جمله قوانین دیگر در منطقه میان رودان که نسخه ای از آن بر روی لوحی سنگی حفظ شده، قانون حمورابی پادشاه بابل است که در حدود ۱۷۶۰ پیش از میلاد مسیح تدوین شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

یکی از مجموعه قوانین مشهور باستانی، منشور کوروش بزرگ پادشاه هخامنشی است که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد پس از فتح شهر بابل به دستور وی نگاشته شد. از این منشور به عنوان نخستین منشور حقوق بشر جهان نام برده می شود، و نسخه بدل آن در مقر سازمان ملل متحد در شهر نیویورک نگهداری می شود. از مجموعه های قوانین باستانی دیگر می توان به قانون لیپیت-ایشطار، قانون آشور، و قانون دین یهود اشاره کرد که زادگاه همه آن ها منطقه میان رودان بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

در سال ۶۲۱ پیش از میلاد، نخستین قانون دولت-شهر آتن توسط دیبری به نام دراکو نوشته شد. این قانون بسیار خشن بود و در آن مجازات مرگ برای تمام جرایم در نظر گرفته شده بود. قانون اساسی آتن در سال های ۵۹۴ و ۵۰۸ پیش از میلاد، به ترتیب توسط سولون حاکم آتن و کلیستنس که یک اشراف زاده بود تغییر داده شد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

به گواه متون تاریخی، ارسطو، فیلسوف شهیر یونانی، نخستین کسی است که بین قانون اساسی و قوانین عادی تفاوت قائل شده. وی قانون اساسی را تبیین کننده «جایگاه دستگاه های دولتی» می داند. آثار مشهور ارسطو مانند «قانون اساسی آتن» و «اخلاق» به بررسی قانون های اساسی آن دوره به ویژه قانون اساسی دولت-شهرهای آتن، اسپارت و کارتاژ می پردازد. ارسطو در این آثار خوبی ها و بدی های هریک از قانون ها را مشخص می سازد و نتیجه گیری می کند که بهترین قانون اساسی در حقیقت ترکیبی است از قوانین سلطنت طلبانه،

اشراف گرایانه و مردم گرایانه. از نظر ارسطو، گروهی از شهروندان مجاز بودند در حکومت دخالت کنند، و گروهی دیگر از شهروندان (شامل بردگان) حق دخالت در حکومت را نداشتند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

نخستین بار امپراتور تئودوسیوس در سال ۴۳۸ مجموعه قوانین مشخصی برای اداره امپراتوری روم تدوین کرد. یک قرن بعد در سال ۵۲۹ میلادی، ژوستینیان یکم امپراتور بیزانس (روم شرقی) مجموعه‌ای از قوانین را تدوین و به اجرا گذاشت که در طول زمان تبدیل به تأثیرگذارترین قانون در اروپای قرون وسطی شد. این مجموعه از قوانین پیشین امپراتوری روم الهام گرفته بود و به عنوان نطفهٔ قانون مدنی مدرن اروپا شناخته می‌شود. در سال ۶۰۴ میلادی، شوتوکو شاهزاده ژاپنی، مجموعه‌ای از ۱۷ قانون را تهیه و به اجرا گذاشت. این قوانین الهام گرفته از تعالیم بودا هستند و بیشتر به اخلاق اجتماعی می‌پردازند تا به ساختار دولت. (مهرپور، ۱۳۹۱)

### قانون اورنامو قدیمی ترین قانون شناخته شده در جهان

در سال ۱۸۷۷ (ارنست سارزک) باستان‌شناس فرانسوی در اکتشافات باستان‌شناسی خود در میان رودان (بین النهرین) شواهدی را از وجود نوعی قانون باستانی دادگستری در تمدن سومریان (۲۳۰۰ سال پیش از میلاد) به دست آورد. بطور کلی قدیمی‌ترین قانون مکتوب کشف شده در جهان قانون (اورنامو) است که حدود ۲۰۵۰ تا ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد به دستور یکی از پادشاهان شهر اور روی لوح سفالین حک شده است. اورنامو را می‌توان اولین قانون نوشته شده توسط بشر دانست چرا که قدمت آن از سایر قوانین نیز بیشتر می‌باشد و از اکتشافات حاشیه بین النهرین پیدا شده و خواستگاه اولین قوانین موجود بشر بوده و جزء قلمرو ایران باستان می‌باشد.

اورنامو، قدیمی ترین قانون شناخته شده بشری تا کنون است. در این تحقیق، این قانون با توضیحاتی ترجمه می‌شود البته ترجمه و توضیحات این قانون کاملاً جنبه تحقیقاتی صرف داشته و در واقع بررسی حقوقی این قانون می‌باشد.

اورنامو یا اورناما یا اورانگور (فرمانروایی ۲۰۹۵-۲۱۱۲ (پیش از میلاد)) نام پادشاه سومری شهر اور در سده‌های بیست و دوم و بیست و یکم پیش از زایش بود. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

او بنیادگذار سومین دودمان پادشاهی اور در جنوب میانرودان بود. پیش از آن چندین سده اکدی‌ها و گوتیان بر آن شهر فرمان رانده بودند. او هجده سال پادشاهی کرد. سرانجام در جنگ با گوتیان، سپاهش او را تنها گذاشتند و او کشته شد. پس از او پسرش شولگی به پادشاهی رسید. یادواره او در قطعه‌ای به زبان سومری به جا مانده است.

مهم‌ترین کار او گردآوردن قانون بوده است و این کهنترین قانون جهان است که گردآمده و به دست ما رسیده است و ما از آن آگاهیم. او همچنین دستور به ساخت زیگوراتی به نام زیگورات بزرگ اور را داد. او همچنین به لاگاش لشکر کشید و اربابان پیشین خود در اوروک را نیز شکست داد. او سرانجام در نیپور تاجگذاری کرد. او کسی بود که در زمان پس از دوره گوتی‌ها راهها و قانون را نگاه داشت.

اورنامو قدیمی ترین لوحه شناخته شده حاوی مجموعه قوانینی است که تا به امروز باقی مانده که به زبان سومری بین سالهای ۲۰۵۰-۲۱۰۰ پ. م نوشته شده. گر چه پیش گفتار آن، این مقررات را مستقیماً به «اورنومای پادشاه»، شاه اور نسبت می‌دهد (۲۰۹۵-۲۱۲۱ پ. م) ولی برخی مورخین گمان می‌کنند که این مقررات بیشتر منسوب به پسر او شولگی خواند. (مهرپور، ۱۳۹۱)

اولین رونوشت از این مقررات که در دو قطعه در نیپور کشف شدند بوسیله ساموئل کرامر در ۱۸۵۲ ترجمه شدند که به علت محافظت جزئی، تنها پیش گفتار و پنج ماده از مقررات آن شناخته شدند. لوحه‌های بیشتر در اور در ۱۹۶۵ کشف و ترجمه شدند که امکان احیاء ۴۰ تا ۵۷ ماده از این مقررات را فراهم ساخت. رونوشت دیگر در «سیپار» کشف شد که حاوی تفاوتی ناچیز است. گر چه معلوم شده که مجموعه قوانین قدیمی تری وجود داشته ولی این مجموعه قانون، قدیمی ترین متن قضائی موجود را ارائه می‌دهد و جایگاه قانون حمورابی را به مدت سه قرن اشغال کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

این مقررات به صورت استدلالی مرتب شده اند و این الگوئی است که تقریباً در کلیه مجموعه‌های بعدی از آن پیروی شد که برای قدیمی ترین مجموعه قوانین شناخته شده تاریخ به نحو قابل ملاحظه‌ای پیشرفته به نظر می‌رسد زیرا برای خسارت‌های بدنی، بر خلاف قانون عمل متقابل (چشم در برابر چشم) اصل حقوق بابلی، جریمه‌های جبران خسارت مالی وضع می‌کند ولی قتل، سرقت، تجاوز و زنا جرائم مستوجب مرگ بودند.

## حمورابی

از جمله قوانین دیگر در منطقه میان رودان (بین النهرین) که نسخه‌ای از آن بر روی لوحی سنگی حفظ شده است، قانون حمورابی پادشاه بابل می‌باشد که در حدود ۱۷۶۰ پیش از میلاد مسیح تدوین شده است.

قانون جامع حمورابی منصوب به پادشاهی از کشور بابل در کنار نهر فرات که دقیقاً به تاریخ ۱۶۸۲ الی ۱۷۲۸ سال قبل از میلاد بر می‌گردد که دارای ۲۸ ماده بوده است. اولین تلاش بشر برای تنظیم قانون مدون حمورابی ششمین شاه از سلسله اموری ۱۶۸۲ الی ۱۷۲۸ یعنی تقریباً ۱۳۰۰ سال پیش از حکومت کوروش کبیر در بین النهرین آغاز گردید. در قوانین حمورابی تمامی کسانی که آزاد بودند در مقابل قانون مساوی و از حق و حقوق برخوردار بودند و مزایای ملی وجود نداشت یعنی فرقی بین فرد آزاد بابلی با غیر بابلی وجود نداشت. تاریخ مکنون و حقوق به صورت جامع در مشرق زمین به ۱۷ قرن قبل از میلاد برمی‌گردد. در حالی که غرب و اروپا به ۴۰۳ قرن بعد از میلاد برمی‌گردد. قانون حمورابی بر روی سنگ نوشته‌ای به طول دو و نیم، و عرض یک و نیم متر حک شده است که برفراز آن تصویر مردی است که در حال خضوع، لوحی را از شمس، خداوند آفتاب و عدالت، دریافت می‌کند. این سنگ‌نوشته که قدیمی‌ترین و کامل‌ترین قوانین بشری بر آن نقش بسته است، به حدود ۴۰۰۰ سال پیش تعلق دارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

ماکت این سنگ‌نوشته در موزه ایران باستان موجود و اصل آن به موزه لوور پاریس منتقل شده است.

حمورابی (۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ ق.م)، یکی از بزرگ‌ترین فرمانروایان بین‌النهرین، سرداری جنگاور، سیاستمداری ورزیده، و قانون‌گذاری دقیق بود. درباره سال‌های سلطنت حمورابی بین مورخان اختلاف است. نظر غالب بر آن است که وی میان سال‌های ۱۷۰۴ تا ۱۶۶۲ پیش از میلاد سلطنت کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰).

مجموعه قوانین حمورابی را، با توجه به زمان تدوین آن، از شاهکارهای قانون‌گذاری می‌دانند. کشف سنگ‌نوشته آن به ادعای کسانی که قوانین روم و یونان را تنها منبع قوانین فعلی و برجسته‌ترین آنها می‌دانستند، خاتمه داد. گفته‌اند مجموعه قوانین حمورابی، پس از ویرانی سومر، از روی قوانین قدیم سومری‌ها و عادات و رسوم آنها نوشته شده و بیشتر مندرجات آن از مجموعه قوانینی که پادشاه "اور" تدوین کرده بود، اقتباس شده است. پایه قوانین حمورابی، متکی بر مذهب و خواست پادشاه و امیال خواسته‌های نفسانی این و آن نیست، بلکه بر مبنای رعایت عرف و عادت و سنن جاری، و رعایت منافع اجتماع تدوین و مقرر شده است.

متن قانون نامه شامل یک مقدمه و یک مؤخره، به صورتی ادبی و مسجع است. در بین مقدمه و مؤخره، مجموعه قوانین قرار دارند که در ۴۹ ستون عمودی یعنی به خط میخی، نگاشته شده است،

ویل دورانت مورخ نامی، درباره این قانون آورده است:

روح این قانون بزرگ مدت پانزده قرن با همه تغییراتی که در کشور پیش آمد نافذ بود، فقط در پاره ای از اوضاع و احوال تغییرات جزئی در آن داده شد (مهرپور، ۱۳۹۱).

حمورابی از امپراتورهای سلسله بابل بود که پس از کناره‌گیری پدرش در سال ۱۷۹۲ پیش از میلاد، امپراتور بابل شد. بابل یکی از کشورهای باستانی بین‌النهرین بود که برای کنترل زمین‌های حاصلخیز کشاورزی نبرد به راه می‌انداخت اگرچه فرهنگ همزیستی چندانی در بین‌النهرین وجود نداشت، اما مردم بابل به دلیل فرهنگ خوبشان در خاورمیانه شهرت زیادی داشتند. امپراتورهای پیش از حمورابی، به تحکیم قدرت خود در بین‌النهرین می‌پرداختند و در زمان سلطنت خود، شهرهای بوریسیا، سیپر و کیش را فتح کردند؛ بنابراین حمورابی پس از به دست آوردن تاج و تخت، خود را امپراتوری کوچک در برابر امپراتوران قبلی بابل می‌دانست. کشورهای همسایه بابل در اوایل سلطنت حمورابی از شرق ایلام، از شمال شمشی آباد، انشان نیز کنترل بالای رودخانه دجله و لارسا نیز کنترل دلتای رودخانه را بر عهده داشت. (کاتوزیان، ۱۳۹۰)

چند دهه اول سلطنت حمورابی صلح‌آمیز گذشت. حمورابی با استفاده از قدرت‌های خود یک سری اقدامات عمومی انجام داد؛ از جمله دیواره‌های شهر را برای مقاصد دفاعی و گسترش معبدتها تشدید کرد. ۱۸۰۱ سال پیش از میلاد، پادشاهی قدرتمند ایلام

مسیرهای تجاری مهم در سراسر کوه‌های زاگرس بسته بود، به بین‌النهرین حمله کرد. سرانجام متحدان دشت بین‌النهرین از ایلام شکست خوردند، امپراتوری انشان تخریب شد و تعدادی از شهرستانها از بین رفتند. ایلام در جهت تحکیم موقعیت خود، سعی کرد که جنگی بین بابل و پادشاهی لارسا به راه بیندازد. ایلام که از متحد شدن این دو کشور می‌ترسید، به حمورابی کمک‌های نظامی کرد. پس از شکست خوردن لارسا در این نبرد، حمورابی به یکی از قدرت‌های بزرگ تبدیل شد و کنترل تمامی پایین دشت بین‌النهرین را در سال ۱۷۶۳ پیش از میلاد بر عهده گرفت.

حمورابی در طول نبرد در جنوب به دلیل عدم وجود سرباز و کمک‌های نظامی ایلام، موجب ناآرامی شد. حمورابی به فکر تصرف شمال بین‌النهرین افتاد و انشان را از چنگ ایلام درآورد. سپس ارتش بابل کشورهای باقی‌مانده شمالی بین‌النهرین از جمله بابل متحد ماری را فتح کرد؛ هر چند این نبرد بدون درگیری پایان یافت. در چند سال حمورابی در متحد کردن تمام بین‌النهرین تحت حکومت خود موفق شد. تنها قسمت‌هایی از بین‌النهرین مانند حلب و کانتیه و غرب سوریه استقلال خود را حفظ کردند با این حال حمورابی در ستون سنگی قوانین خود ادعا کرده‌است که امپراتور تمام بین‌النهرین است.

تعداد زیادی از ستون‌های سنگی و ۵۵ نامه مربوط به امپراتوری بزرگ حمورابی کشف شده‌است. این نامه‌ها نگاهی اجمالی به حکومت روزانه حمورابی، سیل و تقویم ناقص، و همچنین مراقبت از گله‌های دام بزرگ بابل دارند پس از مرگ حمورابی در سال ۱۷۵۰، حکومت بابل به پسر حمورابی یعنی سامسو-ایلونا سپرده شد.

### منشور کوروش بزرگ

یکی از مجموعه قوانین مشهور باستانی، منشور کوروش پادشاه هخامنشی ایران است که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد پس از فتح شهر بابل به دستور وی نگاشته شد. از این منشور به عنوان نخستین منشور حقوق بشر جهان نام برده میشود و نسخه بدل آن در مقر سازمان ملل متحد نگهداری می‌شود. استوانه کوروش بزرگ یا منشور حقوق بشر کوروش لوحی از گل پخته است که در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به فرمان کوروش بزرگ هخامنشی پادشاه و بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی نگاشته شده‌است.

نیمه نخست این لوح از زبان رویدادنگاران بابلی و نیمه پایانی آن سخنان و دستورهای کوروش به زبان و خط میخی اکدی (بابلی نو) نوشته شده‌است. این استوانه در سال ۱۲۵۸ خورشیدی ۱۸۷۹ میلادی در نیایشگاه اسگیله (معبد مردوک، خدای بزرگ بابلی) در شهر بابل باستانی پیدا شده و در موزه بریتانیا در شهر لندن نگهداری می‌شود. این منشور یکی از بزرگترین نشانه‌های روحیه بردباری در فرهنگ ایرانی است. (مهرپور، ۱۳۹۱)

در سال ۱۲۵۹ خورشیدی ۱۸۷۹ میلادی به هنگام کاوش‌های باستان‌شناسی گروه بریتانیایی در محوطه باستانی بابل در بین‌النهرین (میان‌رودان)، هرمزد رسام، باستان‌شناس بریتانیایی آسوری‌تبار، استوانه گلی‌ای را یافت که شامل نوشته‌هایی به خط میخی بود.

جنس این استوانه کوروش از گل رس است، ۲۲٫۵ سانتی‌متر طول و ۱۱ سانتی‌متر عرض دارد و دور تا دور آن ۴۵ سطر (به جز بخش‌های تخریب‌شده) به خط و زبان اکدی (بابلی نو) نوشته شده‌است. بررسی‌های بعدی نشان داد که نوشته‌های استوانه در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به فرمان کوروش بزرگ پس از شکست دادن نبونید و تصرف کشور بابل، نوشته شده‌است. (مرادخانی، ۱۳۹۷)

این اثر در نیایشگاه اسگیله (معبد مردوک) در شهر بابل قرار داده شده بود. در حال حاضر این لوح سفالین استوانه‌ای در بخش «ایران باستان» در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. از سوی دیگر، در سال ۱۳۷۵ آشکار شد که بخشی از یک لوحه استوانه‌ای که آن را متعلق به نبونید پادشاه بابل می‌دانستند، در حقیقت پاره‌ای از استوانه کوروش بزرگ، از سطرهای ۳۶ تا ۴۳ است.

پس از این آگاهی، این پاره از لوح استوانه‌ای که در دانشگاه ییل در آمریکا نگهداری می‌شد، به موزه بریتانیا در لندن انتقال داده شد و به استوانه اصلی پیوست گردید. پژوهش‌های زبان‌شناسی روی دو قطعه استخوان فسیل شده اسب که در موزه شهر ممنوعه در چین نگهداری می‌شوند، منجر به شناسایی نسخه چینی منشور کوروش شد. قدمت این استخوان‌ها به دوره سلطنت هخامنشیان بازمی‌گردد.

کوروش بزرگ، بنیان‌گذار پادشاهی ایران و آغازگر سلسله هخامنشیان، پس از تسخیر بابل، در بابل بر تخت پادشاهی نشست و ادیان بومی را آزاد اعلام کرد. برای جلب محبت مردم میانرودان (بین‌النهرین)، مردوک که بزرگترین خدای بابل بود را به رسمیت شناخته، او را نیایش کرد و سپاس گفت. او هیچ گروه انسانی را به بردگی نگرفت و سپاهیان را از تجاوز به مال و جان رعایا بازداشت. او تمامی کسانی را که به اسارت به بابل آورده شده بودند گرد هم آورد و منزلگاه آنها را به ایشان بازگرداند. کوروش همچنین قوم یهود را نیز از اسارت و بیگاری در بابل آزاد کرد. به دستور کوروش، شرح وقایع و دستورهایی وی روی یک لوح استوانه‌ای سفالین نگاشته شد و در معبد مردوک قرار گرفت. (سلطانی، ۱۳۹۹)

استوانه کوروش، استوانه ناقص از جنس خاک رس است که با ۳۵ خط حکاکی شده به زبان آکدی توسط هرمزد رسام در حفاری منطقه معبد مردوک در سال ۱۸۷۹ در بابل کشف گردید. تکه دوم که شامل خط‌های ۳۶ تا ۴۵ می‌شود، در کلکسیون بابلی دانشگاه ییل توسط برگر پیدا شد. حکاکی کلی گرچه در آخر ناکامل ماند، شامل ۴۵ خط شد که سه سطر اول تقریباً به طور کامل شکسته‌اند (قابل خواندن نیستند). (مرادخانی، ۱۳۹۷)

متن حاوی روایتی از فتح بابل توسط کوروش در ۵۳۹ پ. م. است و با گفتاری از مردوخ ایزد بابلی در مورد جنایت‌های نبونعید، آخرین پادشاه کلدانی، آغاز می‌شود. در ادامه روایتی از جستجوی مردوخ برای یافتن پادشاه شایسته، انتصاب کوروش به حکمرانی تمام جهان، و عاملیت او در فتح بابل بدون جنگ آورده می‌شود. (مرادخانی، ۱۳۹۷)

سپس کوروش، با لحن اول شخص، القاب و نسب خود را برمی‌شمرد و اعلام می‌کند که صلح کشور را تضمین کرده که به موجب آن او و پسرش کمبوجیه مشمول رحمت مردوخ شده‌اند. او بازسازی معبد، که در دوران زمامداری نبونعید به فراموشی سپرده شده بود، و اجازه‌اش به تبعیدشدگان مبنی بر بازگشت به میهن‌شان را توصیف می‌کند. در پایان پادشاه بازسازی دفاع شهر بابل را توصیف کرده و گزارش می‌کند که به هنگام بازسازی کتیبه‌ای از آشوربانیپال را دید.

در حقیقت متن توسط کاهنان مردوخ با تقلیدی از متون کهن نئو-آشوری، به ویژه کتیبه‌های آشوربانیپال نوشته شده در بابل، نوشته شده است. بنابراین، استوانه ساختی به شیوه معمول کتیبه‌های میانرودان دارد و به عنوان پی دیوارهای بابل برای یادبود بازسازی‌های کوروش در آنجا گذاشته شده است. (سلطانی، ۱۳۹۹)

از طرف بسیاری این سند به عنوان نخستین منشور حقوق بشر شناخته می‌شود در سال ۱۹۷۱ میلادی، سازمان ملل آن را به شش زبان رسمی سازمان منتشر کرد و بدلی از این منشور در مقر سازمان ملل متحد در شهر نیویورک نگهداری می‌شود.

موزه بریتانیا یا بریتیش میوزیوم این سند را نخستین بیانیه حقوق بشر می‌خواند و همینطور بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، در جریان سفر به تهران، رسماً از استوانه کوروش به عنوان نخستین بیانیه حقوق بشر یاد کرد و آن را مایه افتخار ایرانیان دانست.

در این لوح استوانه‌ای، کوروش پس از معرفی خود و دودمانش و شرح مختصر فتح بابل، می‌گوید که تمام دستاوردهایش را با کمک و رضایت مردوک خدای بابلی به انجام رسانده است. وی سپس بیان می‌کند که چگونه آرامش و صلح را برای مردم بابل و سومر و دیگر کشورها به ارمغان آورده، و پیکر خدایانی که نبونید از نیایشگاه‌های مختلف برداشته و در بابل گردآوری کرده بوده را به نیایشگاه‌های اصلی آنها برگردانده است. پس از آن، کوروش بزرگ می‌گوید که چگونه نیایشگاه‌های ویران شده را از نو ساخته و مردمی را که اسیر پادشاه‌های بابل بودند به میهن‌شان برگردانده است. در این نوشته اشاره مستقیمی به آزادی قوم یهود از اسارت بابلیان نشده، اما با مطالعه و پژوهش منابع تاریخی مشخص شده است که آزادی یهودیان بخشی از سیاست کوروش پس از فتح بابل بوده است.

منشور حقوق بشر کوروش یا استوانه کوروش، لوحی از گل پخته است که ۲۲٫۵ سانتی متر طول و ۱۱ سانتی متر عرض دارد. این استوانه در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به فرمان کوروش در ۴۵ خط نوشته شده که نیمه اولش از زبان رویدادنگاران بابلی نقل می‌شود و نیمه دومش، سخنان و دستورهایی کوروش به زبان آکدی (بابلی نو) است. وی این منشور را بعد از پیروزی بر نبونعید و فتح بابل نوشته است.



مولانا ابوالکلام آزاد در تفسیر آیات ۸۲ تا ۹۵ سوره مبارکه «کهف» دلایل استواری آورده که ذوالقرنین موصوف در قرآن کریم، همان کوروش است. شماری از مفسران معاصر سنیو شیعه نیز این نظر را پذیرفته اند و از جمله علامه طباطبایی انطباق این نظر را «از هر گفتار دیگری با آیات قرآنی روشنتر و قابل قبولتر» میداند و میفرماید: «آنچه قرآن از وصف ذوالقرنین آورده، با اوتطبیق میشود؛ زیرا اگر ذوالقرنین در قرآن مردی مؤمن به خدا و به دین توحید بود، کوروش نیز بود؛ اگر او فرمانروایی دادگر و رعیتپرور و دارای سیره رفیق و رأفت و احسان بود، این نیز بود؛ اگر او نسبت به ستمگران و دشمنان مردی سیاستمدار بود، این نیز بود؛ اگر خدا به او از هر چیزی سببی داد، به این نیز داد؛ و اگر میان دین و عقل و فضایل اخلاقی وعده و وعده و ثروت و شوکت و انقیاد اسباب برای او جمع کرد، برای این نیز جمع کرد. (سلطانی، ۱۳۹۹)

## اوستا

پروفسور کریستن سن خاورشناس معروف دانمارکی در کتاب خود به نام «وضع ملت و دولت و دربار در دوره‌ی شاهنشاهی» با بیانی صریح چنین می‌گوید: «ساسانیان هم از اولین لحظه با روحانیان زرتشتی متفق شده بودند و ایجاد دوستی میان ملک و دین در تمامی مدتی که موضوع سخن است برقرار بود. (هراتی، ۱۳۹۱)

در حقیقت مبنای حقوقی در عهد ساسانی مأخوذ از کتاب اوستا و تفاسیر آن و اجماع نیکان یعنی مجموعه فتاوی علمای روحانی بوده است. ظاهراً مجموعه قانونی و به معنای اخص وجود نداشته لکن از خلاصه نسک‌های اوستای ساسانی که در کتاب دینکرد موجودات، چنین استنباط می‌شود که چندین نسک شامل مسائل حقوقی بوده است. از آن‌جا که شیوهی حقوقی هر جامعه‌ای بازتاب و انعکاس روش زندگی و شرایط و احوال آن جامعه است بی‌شک حقوق ایران در زمان ساسانیان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و چون در جامعه‌ی حاکم روزگار ساسانی، روحانیون قدرت بلامنازع محسوب شده و در طبقه‌ی اول قرار داشتند حقوق و شیوه‌های حقوقی متأثر از این واقعیت آمیختگی بسیار شدیدی با دین و مذهب داشته است، به طوری که دخالت روحانیون زرتشت در تمامی مسائل حقوقی به وضوح نمودار است. علت این امر نیز آن بود که دولت ساسانی از اوائل تشکیل با روحانیون زرتشتی متفق شده بود. اصحاب دین نیز به برکت حمایت دیوانیان درهمه‌ی شئون و احوال مهم زندگی افراد ایرانی دخالت می‌کردند. همه‌ی امور مملکتی به مشورت و پیش‌بینی ایشان (فغان) انجام می‌شد. فغان اقتدار روحانی داشتند و هیچ امری به زعم ایرانیان وجهه‌ی شرعی ندارد مگر اینکه یک آن را تصدیق و تصویب کند. اجرای عقد ازدواج و صحت طلاق، عنوان حلال‌زادگی و صدق تملک و سایر حقوق در ید قدرت ایشان بود. همه‌ی این حقوق باعث نفوذ کامل ایشان شده بود. (هراتی، ۱۳۹۱)

عمل داور و دادرسی در این دوره توسط روحانیون انجام می‌گرفت و قوه دادرسی به معنی اخص متعلق به این طبقه بوده است. روزگار ساسانی اوج شکوفایی و دادگری در ایران باستان به شمار می‌آید. ریشه‌ی دادگری و قوانین ایران باستان در این دوره را بایستی در کتاب اوستا جستجو کرد علاوه بر آن یکی دیگر از منابع بسیار بارز حقوق مدنی در روزگار ساسانی واتیکان هزار دادستان می‌باشد که به خط پهلوی تألیف یافته و به نقل از تاریخ: فرخ پسر بهرام نویسنده آنست.

اردشیر سرسلسله‌ی ساسانیان گفته است: «بر پادشاه است که افاضه‌ی عدل کند، چه عدل فراهم آورنده‌ی خیر و نگهدارنده‌ی ملک از زوال و اختلال است. سخن‌سرایان و مورخان درباره‌ی عدل انوشیروان داستان‌ها نقل کرده‌اند: «گویند وقتی رسولی از قیصر با انواع تحف و اصناف هدایا نزد انوشیروان آمد. در ایوان کسری نظر کرد و بر حسن بنا و تزئین و تکلف و رفعت آن عمارت آفرین‌ها کرد. بعد چشم بر اعوجاج میدانی که در پیش ایوان بود انداخت و پرسید سبب چیست که طرح میدان کج افتاده؟ گفتند عدم استواء میدان به سبب آن است که پیرزالی در این مقام منزلی دارد، هر چه از او به سوال التماس کردند خانه‌ی خود را بفروشد تا آن‌را از میان برداشت، صحن مستوی گردد مطلقاً قبول نفرموده، شهریار عادل آن‌را به حال خود گذاشتند. رسول گفت: که اعوجاج مقرون به عدل به از استقامت مترتب به ظلم است.» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹)

سرجان ملکم مورخ انگلیسی در این باب می‌نویسد: «اگر اوضاع و احوال عهد انوشیروان در نظر گرفته شود شاید لقب عادل را نتوان به هیچ کس از منجی نوع انسان داد به سبب این که پادشاهی که فقط فرمان او قانون ملک است، ناچار است برای حفظ ملک خود سرکشان را فروکوبد و به کین دشمن قیام کند و بر اقوام بیگانه چیره شود؛ لابد مرتکب هزاران عمل گردد که مخالف اصول عدل باشد.»

## دادگاه‌های زمان ساسانیان

این مراجع را می‌توان به دو نوع تقسیم نمود: ۱- دادگاه شرع ۲- دادگاه عرف

قضات و دادرسان دادگاه‌های شرع از روحانیون زرتشتی بودند و قاضیان دادگاه‌های عرف افراد غیر روحانی که سواد قضایی داشته بودند که به آن‌ها دادور گفته می‌شد.

دادگاه‌های اختصاصی از دو نوع دادگاه تشکیل یافته بودند: دادگاه ارتش و دادگاه عشایری

در روزگار ساسانی به دلیل این که حساس‌ترین مراکز دادرسی در دست روحانیون قرار داشت، سرنوشت قضایی مردم به دست آنان رقم زده می‌شد، زد و بندهایی که روحانیون زرتشتی با حکومت و دولت‌مردان داشتند چندان فضای اطمینان‌بخشی برای یک دادرسی ساده و دادگرانه و مردمی فراهم نمی‌کرد، تهمت‌ها و برچسب‌های بی‌دینی و پیگردهای مذهبی، اندیشه‌ای که به دست مغان و آخوندهای زرتشتی انجام می‌گرفت و نشان از بی‌ثباتی و امنیت قضایی در روزگار ساسانی دارد. کشف جرم و دستگیری مجرم بر عهده‌ی مسئول انتظامات شهر یا به عبارت دیگر بر عهده مسئول شهربانی بود. نقل شده است که: «در امپراطوری ساسانی شهربانی سازمانی مؤثر و نیرومند بود. در هر محل نیرویی تحت فرماندهی افسری لایق وجود داشت. در شهرها هر واحدی تحت نظارت رئیسی بود به نام کوئبان. کوئبان مسئول انتظامات شهر بود و هر کجا که جرمی اتفاق می‌افتاد دستگیری هجوم و کشف جرم با او بود. این افسر شهربانی قانون دادرسی و روش محاکم را می‌دانست و احکام و قرارهای محاکمه را اجرا می‌کرد. اثبات دعاوی جزایی و شناختن هویت بزهکاران به عهده او بود. هنگامی که پرونده نزد قاضی می‌آمد، قاضی دقیقاً به کیفیت دستگیری متهم و زمان ارتکاب جرم و مدت توقیف متهم رسیدگی می‌کرد و اگر اختلافی در این امر مشهود می‌افتاد از افسر شهربانی علت را می‌پرسید و اگر متهم به نظر این قاضی بی‌گناه می‌آمد فوراً به آزادی وی دستور می‌داد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹)

به طور کلی در عهد ساسانی قدرت قضایی در دست موبدان زرتشتی بود و بنا به قانون نامه‌ی مادیان هزاردستان به معنای گزارش هزار فتوا (احکام و آرای مهم دادگاه‌ها) در سراسر کشوردادگاه‌های متعدد زیرنظر یک موبد به مثابه‌ی حاکم شرع تحت‌نظر موبدان موبد (به مثابه‌ی قاضی‌القضات) به شکایات رسیدگی می‌کردند. افزون بر دادرسی مذهبی که در انحصار موبدان زرتشتی بود، در موارد اضطراری نوعی محاکمه‌ی نظامی در ایران عصر ساسانی وجود داشت (هراتی، ۱۳۹۱).

## قانون رم باستان

در سال ۶۲۱ پیش از میلاد، نخستین قانون دولت شهر آتن توسط دبیری به نام «دراکو» نوشته شد. این قانون بسیار خشن بود و در آن مجازات مرگ برای تمام جرایم در نظر گرفته شده بود. قانون اساسی آتن در سالهای ۵۹۴ و ۵۰۸ پیش از میلاد، به ترتیب توسط «سولون» حاکم آتن و «کلیستنس» که یک اشراف زاده بود تغییر داده شد. در روم نخستین بار امپراتور (تئودوسیوس) در سال ۴۳۸ مجموعه قوانین مشخصی برای اداره امپراتوری روم تدوین کرد. یک قرن بعد در سال ۵۲۹ میلادی، (ژوستینیان یکم) امپراتور بیزانس (روم شرقی) مجموعه از قوانین را تدوین و به اجرا گذاشت که در طول زمان تبدیل به تاثیرگذارترین قانون در اروپای قرون وسطی شد. این مجموعه، از قوانین پیشین امپراتوری روم الهام گرفته بود و به عنوان نطفه قانون مدنی مدرن اروپا شناخته می‌شود. شده در اروپا و غرب قانون جامع و فراگیر در حقوق روم نضج و شکل گرفته است و از تاسیس شهر روم در سال ۷۵۴ سال قبل از شروع میلادو تا سال ۵۰۹ قبل از میلاد که دوران آن به نام دوران پادشاهی است می‌باشد. که الان رژیم حقوقی رومی - ژرمنی که الان در اروپا شرقی و مرکزی و سایر کشورها مجاور قرار است و سایر مکاتبات حقوقی نیز از آن متأثراند همان حقوق و قانون روم قدی م است که احیا شده است. در کشورهای اروپای غربی برای تهیه قانون مدنی در بسیاری از موارد بالاترین مقام های کشور برای پیشرفت کار تدوین قانون مدنی نظارت می کردند و گاهی این نظارت مستقیم بود. به عنوان مثال ناپلئون بناپارت برای نشان دادن علاقه خود و اهمیت موضوع، در جلسات بحث و مذاکرات حقوقدانانی که مامور در کار تدوین قانون مدنی فرانسه بودند حاضر می شد و نتیجه کار هیئت مذکور را از کشور گشایی های حکومت خود مهمتر می دانست. نویسندگان قانون مذکور را بر اساس مبانی حقوقی رومی - ژرمنی و ارزش های جامعه فرانسه بنیان نهادند و از حقوق دیگر کشورها نیز در این زمینه بهره جستند و به منابع فقه و حقوق اسلامی و حتی فقه امامیه هم



مراجعه کردند. به عنوان مثال از کتاب "جامه عباسی تالیف شیخ بهایی در فهرست منابع قانون مدنی فرانسه نام برده شده است. کار تدوین قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴ میلادی پایان یافت و در سال ۱۸۰۷ قانون مدنی فرانسه رسماً به عنوان "کدناپلون" نامگذاری شد. متعاقب صدور الواح در سال بعد طبقه ی عامّه به موجب قوانینی که منشور کبیر رُم نامیده می شود، حقوق بیشتری به دست آوردند، از جمله حق پژوهش خواستن از احکام و تصمیمات همه ی اولیاء امور، حق تعیین میزان جرائم از طرف نمایندگان مخصوص ملّت با تصویب مجلس طوایف، حضور نمایندگان ملّت در مجلس سنا و جلوس آنها روی نیمکتی در مدخل مجلس، انتزاع امور مربوط به وصول و ایصال وجوه عمومی از کُنسولها و انتقال آن به دو مأمور به انتخاب انجمن مالکین از میان خواص، ولی به سال ۴۲۱ پیش از میلاد مسیح طبقه ی عامّه نیز این حق را به دست آوردند. قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹)

مهمترین پیشرفتی که پس از یازده سال کشمکش نصیب عامّه گردید همان قانون لیسینین است که به سال ۳۶۷ پیش از میلاد تصویب شد و به موجب آن مقرر گردید یکی از دو کنسول از طبقه ی عامّه باشد. برای استفاده از اراضی خالصه و املاک به اصلاحات جدیدی همّت گماشتند. ورود عامّه به یکی از مدراس مذهبی مجاز گردید. مقام قضائی جدیدی ایجاد شد. هنوز عامّه از تصدّی پاره ای مشاغل محروم بودند ولی به تدریج درها به روی آنها باز شد تا سرانجام تساوی کامل میان دو گروه برقرار گردید. این مبارزه ی طولانی بین عوام و خواص به پایان نرسیده بود که تصمیمات تازه ای قائل شدند و خط فاصل جدیدی میان غنی و فقیر کشیدند.

## تاریخچه قانون اساسی در جهان

### پیشینه قانون اساسی در غرب

در سال ۱۸۷۷ (ارنست سارزک) باستان شناس فرانسوی در اکتشافات باستان شناسی خود در میان رودان (بین النهرین) شواهدی را از وجود نوعی قانون باستانی دادگستری در تمدن سومریان (۲۳۰۰ سال پیش از میلاد) به دست آورد. بطور کلی قدیمی ترین قانون مکتوب کشف شده در جهان قانون «اورنامو» است که حدود ۲۰۵۰ تا ۲۱۰۰ سال پیش از میلاد به دستور یکی از پادشاهان شهر اور روی لوح سفالین حک شده است. از جمله قوانین دیگر در منطقه میان رودان که نسخه ای از آن بر روی لوحی سنگی حفظ شده است، قانون «حمورابی» پادشاه بابل می باشد که در حدود ۱۷۶۰ پیش از میلاد مسیح تدوین شده است. یکی از مجموعه قوانین مشهور باستانی، منشور کوروش پادشاه هخامنشی ایران است که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد پس از فتح شهر بابل به دستور وی نگاشته شد. از این منشور به عنوان نخستین منشور حقوق بشر جهان نام برده می شود و نسخه بدل آن در مقر سازمان ملل متحد نگهداری می شود. در سال ۶۲۱ پیش از میلاد، نخستین قانون دولت-شهر آتن توسط دبیری به نام «دراکو» نوشته شد. این قانون بسیار خشن بود و در آن مجازات مرگ برای تمام جرایم در نظر گرفته شده بود. قانون اساسی آتن در سالهای ۵۹۴ و ۵۰۸ پیش از میلاد، به ترتیب توسط «سولون» حاکم آتن و «کلیستنس» که یک اشراف زاده بود تغییر داده شد. در روم نخستین بار امپراتور «تئودوسیوس» در سال ۴۳۸ مجموعه قوانین مشخصی برای اداره امپراتوری روم تدوین کرد. یک قرن بعد در سال ۵۳۴ میلادی، «ژوستینیان یکم» امپراتور بیزانس (روم شرقی) مجموعه ای از قوانین را تدوین و به اجرا گذاشت که در طول زمان تبدیل به تاثیرگذارترین قانون در اروپای قرون وسطی شد. این مجموعه، از قوانین پیشین امپراتوری روم الهام گرفته بود و به عنوان نطفه قانون مدنی مدرن اروپا شناخته می شود. در سال ۱۶۳۹ میلادی، مستعمره کنتیکت در آمریکای شمالی قانونی را تهیه و در مرزهای خود به اجرا گذاشت این قانون توسط فرماندار مستعمره کنتیکت برای تایید چارلز دوم پادشاه انگلستان به لندن برده شد و پس از تایید بصورت منشور سلطنتی درآمد و لازم الاجرا شد. در آن زمان، بریتانیایی ها به این قانون به عنوان ضامن بقای نظم و ترتیب در مستعمره کنتیکت نگاه می کردند، اما بخش هایی از آن بعدها الهام بخش قانون اساسی ایالات متحده آمریکا شد. از این قانون به عنوان یکی از اولین قوانین اساسی منسجم در غرب و نخستین قانون اساسی در آمریکای شمالی یاد می شود و به همین دلیل به ایالت کنتیکت در کشور آمریکا لقب «ایالت قانون اساسی» داده اند. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۸ تهیه شد و رسمیت یافت. این قانون برای اداره نظام چند ایالتی خود از نظام سیاسی اتحاد پادشاهی ها در بریتانیای کبیر الهام گرفته بود. علاوه بر آن، عقاید پلی بیوس فیلسوف یونانی، جان لاک فیلسوف تجربه گرای بریتانیایی، و «شارل دو مونتسکیو» متفکر فرانسوی، تاثیر زیادی بر قانون اساسی ایالات متحده آمریکا داشته است. (داداش زاده، ۱۳۹۴)

در عصر روشنگری اروپا و در طول چهل سال از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۰۰، چندین قانون اساسی مدرن و تاثیرگذار ظهور پیدا کردند. قانون‌های اساسی جمهوری کُرس و کشور سوئد، نخستین نمونه‌های قانون اساسی مدرن پس از دوران روشنگری هستند. در سال ۱۷۵۵ جمهوری خودمختار کُرس قانون اساسی مدرنی را تدوین و به اجرا گذاشت. این قانون اساسی تحت تاثیر افکار ژان ژاک روسو و توسط پاسکال پائولی و همکارانش به زبان ایتالیایی نگاشته شد. از قانون اساسی کُرس به عنوان نخستین قانون اساسی مدرن معاصر نام می‌برند. این قانون اساسی ۱۴ سال در کُرس رسمیت داشت تا اینکه فرانسه این کشور را در سال ۱۷۶۹ ضمیمه خاک خود کرد. در سال ۱۷۹۱، قانون اساسی لهستان-لیتوانی و قانون اساسی فرانسه تهیه و به اجرا گذاشته شد. پادشاهی بلژیک (۱۸۳۱)، لیبریا (۱۸۴۷)، لوکزامبورگ (۱۸۶۸) و کنفدراسیون سوئیس (۱۸۷۴) از نخستین کشورهایی بودند که پس از آن اقدام به تدوین قانون اساسی برای خود نمودند. اولین قانون اساسی در مشرق زمین در سال ۱۸۷۶ م (۱۲۹۳ ق) در عهد سلطان عبدالحمید عثمانی (۱۸۷۶-۱۹۰۹) به نام مشروطه توسط مدحت پاشا و جمعی از متفکرین با هدف تلطیف حکومت مطلقه سلطنتی نوشته شد. قدیمی‌ترین قانون اساسی ملی که هنوز اجرا می‌شود در سال ۱۶۰۰ میلادی نوشته شده و متعلق به جمهوری سان مارینو در جنوب اروپا است.

### قانون اساسی در اسلام

یکی از اسنادی که مایه تفاخر کلیه مسلمانان جهان محسوب می‌شود، قراردادی است که در اولین سال هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه، توسط آن بزرگوار تنظیم شده و ضمن آنکه نخستین قانون اساسی مدون جهان به شمار می‌آید، حکم یک نوع بیمه اجتماعی برای نیازمندان آن شهر را نیز داشته است. این سند را که توسط یک مورخ آلمانی کشف و شناسایی شده، «پروفسور محمد حمیدالله» به انگلیسی برگردانده و طی مقاله‌ای اعتبارش را اثبات کرده است (نشریه گلستان قرآن شماره ۸۳). پروفسور حمیدالله که در فاصله سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۸ ضمن کنفرانسهای متعدد در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی استانبول کوشیده در حد امکان به ارزیابی سند بپردازد، در پاسخ به کسانی که صحت سند و اعتبار آن را پذیرفته، اما معتقدند با همه اهمیتی که دارد نمیتواند اولین نمونه از نوع خود در جهان باشد، اظهار داشته است: نوشته سولون در شهر آتن را نمیتوان قانونی مدون به شمار آورد، زیرا سولون منصب فرمانروایی یا پادشاهی نداشت. بلکه عضوی از هیأت حاکمه یونان بود که تغییراتی در قانون کشور را مطرح ساخت و پیشنهادش مورد موافقت قرار گرفت. درحالیکه هیچ مدرکی وجود ندارد که ثابت کند آن تغییرات مکتوب شده است. پروفسور حمیدالله، به مجموع قوانین بازمانده از دنیای قدیم، یا قوانینی که نام و مشخصات آنها به روزگار ما رسیده، اشاره کرده و نوشته است: از میان آنها نوشته، فقط رساله ارسطو که در روزگار معاصر کشف شده و در سال ۱۸۹۱ به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر شد باقیمانده، که آن هم به صورت نصیحتنامه‌ای برای امرا و شاهزادگان، یا به شکل مباحث تاریخی است و نمیتواند به عنوان قانونی دولتی تلقی شود که توسط هیأت حاکمه‌ای تنظیم شده است. (عباسی، ۱۳۸۹)

در اولین سال هجرت، پیامبر اسلام (ص) طرحی تهیه فرمود که در آن از وظایف، حقوق و تعهدات حاکم و نیز سایر احتیاجات اولیه نیازمندان بحث شده بود. این سند که متن کامل آن در منابع معتبرمانند سیره ابن اسحاق آمده است شامل ۵۲ ماده و نمونه بسیار خوبی از زبان قضایی، حقوقی و شیوه نگارش در زمان تنظیم سند است و به نظر می‌رسد مسیحیان اروپایی، اهمیت آن را بیشتر از مورخان مسلمان درک کرده‌اند زیرا بسیاری از محققان آلمانی، هلندی، ایتالیایی و انگلیسی نظیر ویلموزن، مولر، گریم، اشپرنگر، ونسینگ، کیتانی، بوهل و... ضمن آثارشان به آن استناد کرده‌اند. (عباسی، ۱۳۸۹)

### قانون اساسی در ایران

نخستین قانون اساسی در ایران، قانون اساسی مشروطه بود که در ۸ دی ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ ذیقعدة ۱۳۲۴ قمری) به امضای مظفرالدین‌شاه رسید. مظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ قمری) فرمان مشروطیت را امضا کرد.

ریشه انقلاب مشروطه شاید در انعقاد قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای باشد، اما شروع قطعی ماجرا بعد از به چوب بستن بازرگانان به جرم گران کردن قند و چاپ عکس «مسیو نوز» بلژیکی در لباس روحانیون بود که اعتراض مردم و روحانی‌ها را در پی داشت.

مظفرالدین شاه بیمار که مجلس اول را در کاخ گلستان گشود، ۱۰ روز پس از امضای قانون اساسی با ۵۱ اصل، درگذشت. این قانون عموماً مربوط به طرز کار مجلس شورای ملی و مجلس سنا می‌شد، به همین دلیل در آغاز به نظامنامه نیز مشهور بود بعد از مدتی «متمم قانون اساسی» تهیه شد و به تصویب مجلس رسید و محمدعلی‌شاه نیز آن را در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری امضا کرد پس از آن نیز در چند نوبت با تشکیل مجلس مؤسسان برخی از مواد این قانون تغییر کرد. این قانون و متمم آن تا سال ۱۳۵۷ که حکومت پادشاهی در ایران برافتاد، قانون اساسی ایران بود. (لویی، ۱۳۸۳)

### نتیجه‌گیری

قانون اساسی به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی حقوق عمومی، مفهومی چندوجهی است. قانون اساسی به جز متن مکتوب، لایه‌های دیگری نیز دارد که به آن‌ها اصول نانوشته قانون اساسی می‌گویند. این اصول حوزه وسیعی را شامل می‌شوند که یکی از اساسی‌ترین آن‌ها مفهوم رویه‌های اساسی هستند. این مفهوم در کشورهای داری سنت نوشته و سنت نانوشته وجود دارد. فهم قانون اساسی بدون شناخت این مفاهیم کلیدی ناقص است.

امروزه وجود قانون اساسی یکی از ملزومات حکومت محسوب می‌شود. قانون اساسی هر کشور بیانگر آمال و اهداف ملت، چارچوب‌ها و ضوابط کلی مدنظر و ساختارهای اساسی حکومت آن کشور است. در ایران نیز اولین قانون اساسی بس از نهضت مشروطه به تصویب رسید و بس از مدت کوتاهی متمم قانون اساسی نیز تهیه شد که این دو، تا پیروزی انقلاب اسلامی معتبر بودند. قانون اساسی در مفهوم عام به کلیه قواعد و مقررات موضوعه یا عرفی، مدون یا پراکنده‌ای گفته می‌شود که مربوط به انتقال قدرت و اجرای آن است. به طور کلی قواعدی که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی است، از نظر ماهوی قانون اساسی نامیده می‌شود. از نظر شکلی نیز، قانون اساسی به یک سلسله اصول و قواعد مدون و مرتبی گفته می‌شود که در یک متن رسمی و طی تشریفات به وسیله مقامات صلاحیت‌دار به تصویب رسیده و بر افراد و تشکیلات سیاسی و متصدیان امور و همچنین بر قوانین عادی به عنوان قانون برتر حاکم است.

### منابع

- حسین مهرپور. مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ ۳. دادگستر، ۱۳۹۱
- سلطانی، سیدناصر. (۱۳۹۹). عناصر نخستین قانون اساسی ایران؛ اصول حکومت قانون. پژوهش‌های حقوقی، ۱۹(۴۲)، ۷-۳۰.
- سیدابوالفضل قاضی شریعت پناهی. بایسته‌های حقوق اساسی. چاپ ۲۸. میزان، ۱۳۸۹.
- علیرضا داداش زاده. حقوق اساسی و تشکیلات نظام جمهوری اسلامی ایران (نهادهای سیاسی و سازمان‌های دولتی). چاپ ۱. مجد، ۱۳۹۴.
- عباسی، بیژن. (۱۳۸۹). کنکاشی در منابع حقوق اساسی. مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۴۰(۳)، ۲۴۷-۲۶۰.
- فاورو، لویی. (۱۳۸۳). حقوق اساسی، حقوق قانون اساسی. حقوق اساسی، ۲(۳).
- محمدجواد هراتی. حقوق اساسی و ساختار حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران. چاپ ۱. دانشگاه بوعلی، ۱۳۹۱.
- مرادخانی، فردین. (۱۳۹۷). بررسی مفهوم رویه‌های اساسی در حقوق اساسی. مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۱۰(۴) (پیاپی ۳۰)، ۹۹-۱۲۷.
- ناصر کاتوزیان. فلسفه حقوق (جلد دوم) (منابع حقوق). چاپ ۴. شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.



## Review of the oldest legal laws of humanity and the history of the constitution in the world

Amin Heydari  
Municipal employee

### Abstract

The constitution includes the rules that the ruler based on the rule and competence of the powers, individual rights and freedoms, citizenship, etc., because it determines the order of the government and the basic powers of the country, it is superior to other legal rules. The limits and authority of powers and their relationship with each other are determined in this law, and the ordinary legislator has no right to cancel or revise it. Because there is a possibility that some sub-rules may be included in the constitution, and vice versa, some rules may be refused, so the best sign of distinguishing the constitution is the special procedures for its establishment. Usually, after every revolution and transformation, the new government destroys the base of the overturned government and chooses a new basis for political government. In normal cases, the government cannot easily revise the constitution, because it has to be done by the extraordinary parliament or the ordinary legislature with more formalities. In this article, the oldest legal laws of humanity and the history of the constitution in The world has been paid.

Keywords: human rights, constitution, ancient times